

کاربست مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (ره)

محمدباقر خرمشاد*

یاسر برخوردار**

چکیده

آغاز دوران جمهوری اسلامی در ماه‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه‌ای بی‌بدیل از تلفیق ظرفیت جمهوریت با اندیشه دینی در کشوری با پیشینه کهن و تمدنی دیرپا بود. ماهیت نوپدید و ابتکاری نظام سیاسی جدید در ایران به همراه فقدان الگوی متناظر و متشابه از همکاری نهاد دین و سیاست در قالب نظریه دولت-ملت که مورد وفاق و پذیرش بین‌المللی قرار گرفته باشد، پارادایم مسلط سکولاریسم سیاسی را به چالش کشانده و بر همین اساس از سویی شاهد بروز بحران‌های داخلی و دخالت‌های خارجی در سال‌های استقرار تثبیت جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر تلاش رهبران انقلاب اسلامی برای تبیین اصول و مبانی جمهوری اسلامی بوده و هستیم. وضعیت و شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه و تعامل با مخالفان در بحران‌های داخلی و دخالت‌های خارجی، یکی از مسائل اساسی نظام سیاسی ایران از ابتدای تأسیس است که حاکمیت را همواره در معرض دیدگاه‌های همدلانه، معارضانه و نیز کنایه‌زنی‌ها با محوریت عدم مدارای سیاسی قرار داده است. با توجه به نقش بی‌بدیل اندیشه و رفتار سیاسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در ارجاع و مشروعیت‌بخشی به فرایندهای سیاست‌گذاری، پرسش اصلی این مقاله بیان می‌دارد که مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (ره) چرا و چگونه تحقق یافته است؟ در این مقاله با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد و محوریت مفهوم‌سازی، ضمن تعریف مفهوم مدارا در اندیشه غرب و اسلام و بیان تفاوت‌های معنایی آن‌ها، مدارای سیاسی به‌مثابه مؤلفه راهبردی در اندیشه امام خمینی (ره) به‌عنوان الگوی مطلوب مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم،

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

mb.khorramshad@gmail.com

yb1359@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۰

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نود، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۹-۸۶

ضمن بازخوانی و بازنمایی رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در تعامل و مواجهه با مخالفان در حوزه‌های سه‌گانه بینش، گرایش و کنش، الگوی محقق مدارای سیاسی در دهه نخست انقلاب اسلامی به‌منظور پاسخ به چرایی و چگونگی کاربست مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (ره) تبیین و ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مدارای سیاسی، راهبرد، رفتار سیاسی، امام خمینی (ره)، مخالفان سیاسی

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی پهلوی، تبیین الزامات محتوایی و شکلی نظام سیاسی جایگزین و مطلوب انقلابیون به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح‌شده از سوی رهبر این نهضت یعنی حضرت امام خمینی (ره) تبدیل شده بود که پس از ارائه پیشنهادهای مختلف با انجام همه‌پرسی و رأی اکثریت مردم در ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸؛ نظام جمهوری اسلامی آغاز به کار کرد.

تلفیق دو عنصر جمهوریت و اسلامیت که با پیوند دین و سیاست پارادایم سکولاریسم سیاسی را با چالش روبه‌رو مواجه می‌کرد، برای مواجهه با مخالفان خویش نیازمند تبیین اصول و مبانی خود بوده است.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری خود با مخالفانی مواجه بوده که هم در حوزه فکر و اندیشه و همچنین با اقدامات مسلحانه و نظامی در داخل و خارج از کشور با این نظام به مخالفت پرداخته‌اند.

ارائه الگویی برای تعیین خط‌مشی‌ها و نوع رفتار نظام حاکم با افراد و گروه‌های مخالف از جمله دل‌مشغولی‌های مسئولان جمهوری اسلامی بوده است که در سپهر سیاست‌ورزی ارتباط مستقیمی با کارآمدی و به‌تبع آن با بازتولید منابع مشروعیت حاکمیت داشته و بر همین اساس شاهد شکل‌گیری و ارائه طیفی متنوع و متکثر از سلايق و مباحث مربوط به تساهل و مدارای سیاسی با مخالفان بوده‌ایم. فقدان الگوی بومی از مدارا و تساهل که بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و بهره‌گیری از فرهنگ و تمدن ایران ترسیم شده باشد و نیز سلطه‌گفتمان‌های غربی در حوزه علوم انسانی که همراه تعریف و ترجمه مفاهیم مورد نیاز از علوم سیاسی

موجود گشته است، از جمله چالش‌های اساسی به شمار می‌رود که این امر خود سبب‌ساز اعمال سلاقی مختلف در سطوح گوناگون مدیریتی شده است.

۱. پرسش‌های اصلی و روش پژوهش

هدف اصلی این مقاله شناخت دقیق ابعاد مدارا در مدل حکمرانی امام خمینی (ره) و کاربست آن در راهبرد رهبری ایشان به‌عنوان ولی‌فقیه و رهبر انقلاب اسلامی با مفهوم مدارای سیاسی است. به همین منظور این نوشتار می‌کوشد برای کمک به تدوین الگوی مفهومی با محوریت مدارای سیاسی به‌عنوان راهبرد رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران از اندیشه و عمل بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بهره‌گیرد. از این‌رو، پرسش‌های اصلی این نوشتار عبارتند از:

- مؤلفه‌های اصلی چرایی مدارا و چگونگی اعمال مدارا در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) کدامند؟

- محدوده مدارا و عدم مدارا در رفتار سیاسی امام خمینی (ره) با چه شاخصه‌هایی شناخته می‌شود؟

روش تحقیق در این مقاله روش داده‌بنیاد با محوریت مفهوم‌سازی خواهد بود که عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵).

در این روش تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند با استفاده از کدگذاری انجام می‌شود. کدگذاری فرایندی است که داده‌ها را با نظریه پیوند می‌دهد. درواقع، از طریق کدگذاری کدهای مفهومی ایجاد می‌شوند که پیوند میان داده‌ها و نظریه را روشن می‌کند. این فرایند در سه مرحله با عناوین کدگذاری، بازکدگذاری انتخابی صورت گرفته که نتایج آن در جداول مقاله به نمایش درآمده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مدارا در غرب

تفاوت تعریف مفهوم تساهل و مدارا در غرب به عنوان خاستگاه اولیه پدیدارشدن آن در جایگاه و معنای «مطالبه شهروندی» با معنا و مفهوم آن در اسلام، ضرورت مطالعه و پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌سازد. تساهل و مدارا در غرب در مواجهه با عملکرد ناصواب نهاد کلیسا در حوزه اعتقادی و ایمانی آغاز شد و در مسیر تطور خود به حوزه‌های دیگر نیز سرایت نمود.

به عبارت دیگر، اندیشه تساهل در علوم انسانی به لحاظ تبارشناسی تاریخی، از دوران منازعات مذهبی در اروپا پدید آمد و در آغاز به معنای حق انتخاب مذهب از سوی فرد و عمل بدان بود و به تدریج تساهل در برابر هر عقیده‌ای را شامل شد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۷۱).

جان لاک موضوع تساهل و مدارا را از مذهب و شناخت حقیقت آن آغاز کرده است. او با توجه به تجربه خود از جنگ‌های مذهبی و برخوردهای ایدئولوژیک ناشی از فرقه‌گرایی‌های مسلکی و جهان‌بینی‌های متنوع در نگاه به مسیحیت، مدعی می‌شود که علت اصلی برخوردهای اجتماعی زمان او ریشه در اعتقادات شخصی مذهبی دارد؛ به این ترتیب که هر کس به خود حق می‌دهد با سیر و سلوک و نگاه ابداعی و بعضاً ناصوابش به مذهب، روش فکری خود را پاک آیینی و روش دیگری را تنها به این دلیل که از راه و روش او پیروی نمی‌کند و با آرای او مخالفت دارد، ارتداد بنامد، وی را به اسم مذهب، مورد آزار و شکنجه قرار دهد، غارت کند و حتی به قتل برساند؛ ضمن این که معلوم نیست رهیافت و شیوه نگرش خودش تا چه اندازه به حقیقت نزدیک است (شریعت، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

می‌توان گفت مدارا و تساهل در غرب با توجه به تجربه ناگوار اروپا و نهاد کلیسا در قرون وسطی پدیدار شد و از این جهت بر مبانی فلسفی و نظری تقدم دارد. این مفهوم در مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی بر نسبی‌گرایی در شناخت مبتنا دارد و در مبانی دینی، با نگاه حداقلی به گستره شریعت می‌نگرد. مدارا و تساهل در مبنای سیاسی در اندیشه غرب زائیده تکثرگرایی دینی و نتیجه مبانی

پیش‌گفته در حوزه‌های فلسفی، نظری و تجربه تاریخی است.

۲-۲ مدارا در اسلام

برخلاف غرب، مفهوم تساهل و مدارا در اسلام از اصول و مبانی دینی بوده که در آیات قرآن کریم و روایات رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بدان پرداخته شده است.

تساهل و مدارا در اندیشه‌های اسلامی به دو معنا به‌کاررفته است؛ نخست، به معنی ساحت شرع مقدس اسلام و دیگری به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه رفتار و عمل که در حوزه مناسبات فردی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین میان دو مقوله تلرانس^۱ و تساهل و مدارای اسلامی تفاوت ماهوی وجود دارد (برزگر و بیات، ۱۳۹۵: ۲۸).

مدارا و قاطعیت از دستورات اسلام و مورد تأکید اسلام است. اگرچه معنای اولیه متبادر در ذهن از مدارا، سازش و تحمل دیگران است، اما دقت در کتب لغوی، اخلاقی، آیات و روایات روشن می‌سازد که مدارا و تساهل در اسلام دارای مفهوم گسترده‌تری است. از صبر، سازش، تحمل، بخشش و تجاهل گرفته تا مهرورزی، خضوع و فروتنی همه در مفهوم مدارای مدنظر اسلام می‌گنجد، اما مسئله در بیان حد و حدود و نحوه کاربست مدارا در شئون مختلف زندگی انسانی است (برزگر، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۳).

تساهل و مدارا در اسلام با آنچه در معنای تلرانس در غرب به مدارا ترجمه می‌شود، در تعریف، دامنه، حدود، چرایی و چگونگی تفاوت‌های اساسی دارد و از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی با ابتنا بر اصول دینی در زمینه حقوق شهروندی و نیز حقوق و تکالیف متقابل مردم و حاکمیت تصریح داشته، برای تبیین مفهوم مدارا در اندیشه و دوران رهبری حضرت امام خمینی (ره) از تعریف و مفهوم‌شناسی مدارا در اسلام و قرآن کریم بهره گرفته می‌شود.

۲-۳. مدارا در آرای اندیشمندان اسلامی

مفهوم مدارا از جمله دل‌مشغولی‌های فلاسفه و اندیشمندان اسلامی با مشرب‌های متفاوت بوده است؛ اما آنچه اجماع نخبگانی بر آن وجود دارد، ضرورت انکارناپذیری مدارا و تحمل است که زمینه‌ساز هدایت و سعادت نوع بشر است. تأکید برخی از دانشمندان اسلامی بر جایگاه مدارا و تساهل در اجناس فضائل همانند خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، احمد بن محمد مسکویه در تهذیب الاخلاق، صدرالمتألهین شیرازی در حکمت متعالیه و عبدالله جوادی آملی در حماسه و عرفان بر این اساس است که مدارا را از جمله فضیلت‌های اخلاقی بر می‌شمارند که ذیل فضیلت عام صبر قرار می‌گیرند که خود از انواع فضائل وابسته به فضیلت شجاعت است.

اما به همین میزان اجماع نخبگانی در تقسیم‌بندی مدارا و تساهل به مدارای ممدوح و مدارای مذموم نیز در میان اندیشمندان اسلامی وجود دارد. آنچه در کنار رویکرد مثبت به تحمل و مدارا در فلسفه سیاسی اسلام از آن نام برده می‌شود، «مداهنه» است که وجه منفی مدارا و تساهل را شکل می‌دهد. مدارا نرمی با مردم و مداهنه نرمی در حقیقت است. متعلق مدارا انسان و متعلق مداهنه حقیقت است. امام خمینی در شرح حدیث جنود عقل و جهل این‌گونه بیان می‌کند: اگر بریدن دست معیوب را که باید برید، با مدارا و ملایمت بریدن، زحمت فراهم کند، باید با عنف و عجله و شدت کار را انجام داد که این خرق عین رفق و مدارا است (امام خمینی، ۳۱۴).

نکته اساسی در تعریف محدوده اعمال مدارا و در نقطه مقابل محدوده اعمال خشونت به‌عنوان مفهوم روبه‌روی مدارا است که ضرورت بازخوانی و بررسی منظومه فکری و اندیشه‌ای هر کدام از دانشمندان و فلاسفه اسلامی را ضروری می‌نماید.

در نحوه مواجهه حکومت اسلامی با مخالفان، اندیشمندان و فلاسفه اسلامی اولویت اول را در تعامل با مخالفان، مدارا و سعه‌صدر می‌دانند، زیرا در اندیشه سیاسی اسلام حکومت و قدرت سیاسی برای نیل افراد جامعه به سوی سعادت و

تعالی موضوعیت می‌یابد. آن‌چنان‌که در کدگذاری مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با دانشمندان اسلامی به آن پرداخته شده است، سه مفهوم شرافت، برادری و سعه‌صدر را می‌توان در این منظومه معرفی کرد.

جدول ۱. مدارا و تساهل در آرای اندیشمندان اسلامی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش‌داده‌بنیاد	مقوله‌ها	گزاره‌ها
شرافت	شرافت و عظمت نفس و منزلی از منازل سالکین	اختیار تمام‌عیار انسان و پذیرش حق ایمان امری قلبی است که از راه زور حاصل نمی‌شود. مدارا و تساهل از جنود عقل و از لوازم فطرت مخموره مدارا و تساهل منحصر به اخلاق فردی نیست بلکه فضیلتی سیاسی و اجتماعی است. مدارا و تساهل به‌نوعی توانایی و تعهد است. مدارا و تساهل در اصول اعتقادی جایز نیست.
برادری	فضیلت اجتماعی با تأکید بر فضیلت عام صبر و شجاعت	منع مسلمانان از ناسزاگفتن و دشنام‌دادن، توهین کردن و افترازدن. چشم‌پوشی از انتقام و بدهی‌ها (گذشت و عفو) مدارا و تساهل ضرورت اجتماع انسانی. مدارا و تساهل در رابطه مردم با مردم شایسته است. مدارا و تساهل زمینه‌ساز نفوذ در دل‌هاست.
سعه‌صدر	تأکید بر رعایت حقوق شهروندی و اعمال خشونت در مقابله با توطئه و عمل منافقان	در مسائل اساسی نظام همانند امنیت و عدالت، مدارا و تساهل جایز نیست. نگاه مطلق‌انگارانه به مدارا و تساهل آسیب جدی به این مفاهیم می‌رساند. مدارا نرمی با مردم و مدهانه نرمی در حقیقت است. خشونت تحت شرایطی خاص برای مقابله با توطئه و عمل منافقانه جایز است. حد معقول مدارا و تساهل مطلوب است و اگر از حدود آن تجاوز شود، ارزش و فضیلت نخواهد بود.

۳. مؤلفه‌های مدارا در اندیشه امام خمینی (ره)

برای دست‌یابی به الگویی شایسته از مدارای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد به بیان مؤلفه‌های چرایی و چگونگی اعمال مدارا و دامنه حدود آن پرداخته شود.

مؤلفه‌های اعمال مدارا ناظر بر نحوه مواجهه با مخالفان در سه‌گانه عقیدتی - فکری، اخلاقی - گرایش‌ی و فقهی - سیاسی است و در اندیشه امام خمینی در گونه‌های سلبی و ایجابی مطرح شده است. طرح این مؤلفه‌ها و اصول ریشه در تعریف متفاوت از مدارا و تساهل در اندیشه غرب، اندیشه اسلام و قرآنی دارد که

امام خمینی (ره) بدان معتقد بود.

تأکید بر شفافیت چارچوب‌های فکری درخصوص چگونگی اعمال مدارا همچنان‌که در مسیر دستیابی به مدل بومی کمک‌رسان خواهد بود، از التقاط فکری که با سلايق فردی و مشهور زمانه تجميع می‌شود، جلوگیری می‌کند. بر این اساس به مهم‌ترین مؤلفه‌های مدارا در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

۳-۱. آزادی اسلامی

آزادی در نگاه امام خمینی (ره) برگرفته از حق الهی است و مبتنی بر این اصل که هیچ انسانی دیگر حق ولایت ندارد به جز اذن الهی. در دیدگاه امام (ره) انسان آزاد آفریده شده تا بندگی غیرخدا را نپذیرد و تحت سلطه فردی نباشد. در این نگاه، بردگی و بندگی انسانی نزد انسان دیگر منع شده و لازم است کرامت و آزادی انسان‌ها پاس داشته شود. امام خمینی (ره) معتقد است آزادی مطلق به دلایل واضح عقلی و نقلی نمی‌تواند مطلق باشد و لازم است چارچوب‌های شخصی با ابتنا بر مبانی اعتقادی و اخلاقی برای آن طرح‌ریزی شود. در نظام اندیشه‌ای امام (ره) آزادی در ساحت‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی دارای حدود شخصی و متفاوتی است که لزوم رعایت آن ضروری است.

در ساحت آزادی فکری و عقیدتی با استناد به قرآن کریم و احادیث معتبر، امام (ره) به آزادی بیان و قلم به‌منظور جلال احسن و گفتگوهای سازنده و نیز تعلق خاطر به هر عقیده‌ای توسط افراد معتقد است و با تأکید بر آن، دعوت و تبلیغ را با مدارا توصیه می‌کند. این معنا در بیانات امام خمینی (ره) مورد اشاره واقع شده است.

«یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (امام خمینی، ۱۳۷۰، جلد ۴: ۲۴۲).

«اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد و از طرح مکتب‌های دیگر که انحراف آن‌ها در محیط خود آن مکتب‌ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد» (امام خمینی، جلد ۱۰: ۸۱).

در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند
ولکن آزادی خرابکاری را ندارند» (امام خمینی، جلد ۴: ۴۳۶-۴۳۵).

در ساحت آزادی اخلاقی- گرایشی رهایی از تعلقات بیرونی، امیال و تمنیات
نفسانی و آزادی از اسارت و قیود نفسانی و به تعبیر شهید مطهری آزادی معنوی
به صورت غیرمستقیم بر آزادی فقهی- سیاسی تأثیر گذاشته و در این راستا امام
خمینی (ره) معتقد است، با مدارا و ملایمت در اخلاق و رفتار اثربخشی لازم را
شاهد خواهیم بود.

«من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می‌کردم،
آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم، همه خشکشان می‌زد، ولی وقتی از
رحمت حرف می‌زدم می‌دیدم که دل‌ها نرم می‌شود و اشک‌ها سرازیر می‌گردد... با
ملایمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت» (امام خمینی، جلد ۱۸:
۲۰۲).

در ساحت آزادی فقهی- سیاسی امام خمینی (ره) مدارا در حکومت‌داری را
یک اصل دانسته و معتقد است: «مدارا، تمام قوای ظاهری و باطنی جامعه را رام و
قلوب را فتح می‌کند و فتح قلوب، فتح ممالک را میسر می‌سازد» (امام خمینی،
۱۳۸۲: ۳۱۵) البته از نظر امام خمینی (ره) اسلام در پی سلطه بر سرزمین نیست
بلکه دنبال فتح قلوب مردم است، جلب قلوب با خشونت، استبداد و اقتدارطلبی
جامع نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۲: ۵۰۷-۵۰۶).

«در صدر اسلام هیچ شهروندی از پیغمبر نمی‌ترسید و حضرت امیر که رئیس
یک مملکت پهناور بود، مردم از او نمی‌ترسیدند» (امام خمینی، ج ۷: ۲۱۸).
با امان نظر به مؤلفه‌های سه‌گانه پیش‌گفته در اصل آزادی و ارتباط آن با
مدارا در اندیشه امام خمینی (ره) باید گفت چرایی و چگونگی مدارا در نظام
اسلامی با اصل آزادی نسبت مستقیم دارد که در ساحت‌های سه‌گانه، حدود آن با
در نظر گرفتن مبانی نظام اسلامی همچون عدالت، مصلحت و امنیت تعیین و
اعمال می‌شود.

۳-۲. کرامت انسانی

امام خمینی (ره) حفظ کرامت انسانی را به عنوان اشرف مخلوقات از جمله وظایف و تکالیف انسان‌ها نسبت به یکدیگر و حاکمیت نسبت به عموم شهروندان می‌داند.

امام (ره) برای کرامت و عزت همه انسان‌ها - چه شهروندان مسلمان جمهوری اسلامی و چه غیر آن - اهمیت و ارزش والایی قائل بوده و همواره همگان را به این مسئله سفارش و امر می‌نماید. همچنان که در پیام هشت ماده‌ای خویش مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ رعایت بیشتر کرامت انسان‌ها و عدم نقض حقوق و عزت آن‌ها را یادآور شدند و موارد غیرقانونی مانند احضار و توقیف افراد، دخل و تصرف یا توقیف و مصادره غیرشرعی اموال، ورود بدون اجازه به حریم خصوصی و کشف گناه و تجسس و افشای اسرار مردم را با صدور این دستور، به شدت نهی نمودند و چنین مواردی را جرم و گناه و مخالف حفظ کرامت انسانی به شمار آوردند. امام خمینی (ره) معتقد بودند که حقوق بشر در اسلام محترم است و هیچ‌کس حتی به اسم حفظ آزادی و استقلال، حق سلب آن را از مردم ندارد و هیچ سازمان و حکومتی به اندازه اسلام، حقوق بشر را لحاظ نکرده است و در این گونه حقوق، شخص اول حکومت اسلامی با آخرین فرد مساوی است.

افزون بر این، امام اصل تساوی همگانی در برابر قانون را نیز از اصل برابری و کرامت ذاتی انسان‌ها نتیجه می‌گیرد. بنابراین همه موظف به رعایت قانونند و ارزش افراد به مقام و جایگاه نیست بلکه به تقوای الهی است (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰۰).

بر این اساس مدارا در چارچوب حفظ عزت و کرامت انسانی از اصول و مؤلفه‌های چگونگی و نحوه اعمال مدارا در اندیشه امام خمینی (ره) بوده و بنا به تأکید ایشان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدان تصریح شده است.

۳-۳. عدالت

امام خمینی (ره) در تبیین «فریضه عادلانه» در حدیث ۲۴ از کتاب چهل حدیث به شرح و تفسیر این روایت پرداخته و می‌نویسد: «خُلِقَ حَسَنًا، چنانچه در آن علم

مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هریک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و «عدالت» که حد وسط و «تعدیل» بین آنهاست، مستحسن است». برای مثال شجاعت که یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکه فاضله است، عبارت است از حالت متوسطه و معتدله بین افراط که از آن تعبیر شود به تهور- و آن عبارت است از ترسیدن در موردی که ترس سزاوار است و در جانب تفریط آن جبن قرار دارد که از ملکات رذیله است و به عبارت دیگر ترسیدن در مواردی است که سزاوار ترس نیست. آن عبارت است از ترسیدن در مواردی که سزاوار ترس نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۴۱).

علاوه بر لزوم عدالت در اخلاق و رفتار، امام خمینی (ره) بر لزوم عدالت‌محوری در نظام سیاسی اسلامی تصریح نموده و برقراری قسط و عدل و گسترانیدن عدالت در شئون زندگی اجتماعی را هدف نهایی برپایی حکومت اسلامی برمی‌شمارند.

با امعان نظر به توجه و تأکید بر مؤلفه عدالت در ساختار سیاسی اسلامی ضروری است در چگونگی اعمال مدارا در جامعه اسلامی همواره با عدل و عدالت با عموم شهروندان، تعامل و حکمرانی صورت پذیرد.

در حقیقت نظام اسلامی جایز نیست به‌منظور اعمال حاکمیت از مدار عدالت خارج شده و علاوه بر وظیفه مکلف است با در نظر گرفتن عدل الهی، از مدارا بهره گرفته و از سوی دیگر در همین دامنه و چارچوب به ورطه مداهنه گرفتار نشود.

۳-۴. اخلاق اسلامی

نحوه مواجهه و تعامل با مخالفان سیاسی با ابتنا بر مبانی فکری، امام خمینی (ره) از اصول اخلاقی پیروی می‌نماید. ایشان مدارا را از مؤلفه‌های اصلی اخلاق دانسته و به‌کارگیری آن را برای توفیق در زندگی ضروری می‌دانند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «بدان که رفق و مدارا در انجام امور مدخلیت کامل است، چه در باب معاشرت با خلق و انجام امور دنیوی و چه راجع به امور دینی و هدایت و ارشاد خلق و امر به معروف و نهی از منکر باشد و چه راجع به ریاضت نفس و سلوک

الی‌الله باشد و شاید این‌که در حدیث مذکور آمده: رفق میمنت دارد و خرق شوم است، اشاره به همین مطلب باشد. مثلاً در باب انجام امور دنیوی آن‌طور که با رفق و مدارا ممکن است انسان تصرف در قلوب مردم کند و آن‌ها را خاضع و رام کند، ممکن نیست با شدت و عنف، موفق به امری از امور شود.

«بالجمله، رفق و مدارا در پیشرفت مقاصد، از هر چیز مؤثرتر است و چنانچه در مقاصد دنیای چنین است، در مقاصد دینی از قبیل ارشاد و هدایت مردم رفق و مدارا از مهمات است که بدون آن، این مقصد شریف عملی نخواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۱۶-۳۱۵).

بر این اساس، در هنگامه برخوردهای لازم با مخالفان که بر مبنای اصل تقدم عدالت بر مدارا ضروری است، سلايق فردی و حب و بغض‌های شخصی مداخلیت نداشته و باید با هدف هدایت و ارشاد، مجازات مطرح در شرع و قانون اعمال شود. در این چارچوب علاوه بر حفظ حقوق شهروندی مخالفان، شایسته است با اخلاق اسلامی با آن‌ها رفتار شود. در نگاه امام خمینی (ره) در دو سطح فردی و حاکمیتی مدارا با مخالفان سیاسی با سنجه اخلاق اسلامی اعمال می‌شود. در سطح فردی، بخشش و مدارای حداکثری در قبال حق شخصی والی، حاکم و امام توصیه شده و آن‌چنان‌که در رفتار سیاسی امام خمینی قابل مشاهده است، نمونه‌های فراوانی از گذشت و رأفت ایشان سراغ داریم.

اما در سطح حاکمیتی همچنان که رعایت اخلاق اسلامی علاوه بر حقوق شهروندی و پرهیز از منافع شخصی لازم‌الاجرا است، در اجرای حدود قانون و شرع نیز هیچ‌گونه مداهنه‌ای را بر نمی‌تابد.

تدقیق در این مؤلفه، سبب‌ساز کاربست اخلاق اسلامی در اعمال مدارا با مخالفان سیاسی و تفکیک آن با مداهنه و خشونت خواهد شد.

۳-۵. حقوق شهروندی

در اندیشه امام خمینی (ره) علاوه بر عموم شهروندان، مخالفان سیاسی هم در چارچوب نظام اسلامی دارای حقوق شهروندی بوده و رعایت آن برای ضابطان و مجریان قانون، الزامی است.

«به قوه قضائیه عرض می‌کنم که مسئله قضا یک مسئله بسیار مهمی است که اگر انسان در آن قصور بکند، تقصیر بکند، ضرر وارد می‌شود. اگر تقصیر باشد، پیش خدای تبارک و تعالی مسئول است و اگر چنانچه زیاده‌روی بکند، این هم همین‌طور. میزان، احکام اسلام است. در اجرای حدود، نباید از آن حدودی که حق تعالی فرموده است، پایین‌تر عمل بشود و نباید زیادتر. حتی آن‌کسی را که الآن محکوم به قتل شده است و دارند می‌برندش در جایی که او را بکشند، هیچ‌کس حق ندارد حتی یک کلمه درشت به او بگوید؛ اجرای حکم خداست. اگر کسی یک سیلی به او زد، او حق دارد در همان‌جا، یک سیلی برگرداند و باید هم دیگران کمک کنند تا او قصاص بکند. اگر یک درشتی کرد آن‌کسی که درشتی کرده است، تعزیر لازم دارد باید قوه قضائیه تعزیر کند او را» (امام خمینی، ۱۳۷۰، جلد ۱۹: ۳۲۶).

امام خمینی (ره) در رابطه با حقوق مخالفان سیاسی و سایر زندانیان می‌فرمایند: «از اموری که هرچه بیشتر باید به آن توجه شود، رفاه حال زندانیان است. چه گروه‌هایی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بی‌گناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده‌اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره، فرزندان کشور را به فساد کشانده‌اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند و به دست خود به اسارت کشیده شده‌اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رثوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ زندان‌ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید (جلد ۱۸: ۳۴۳) حتی آن‌کس که مستحق حدود الهی است، از قتل و دیگر جزاها، باید از عطف و مأموران تا پای دار و محل مجازات برخوردار باشند. شورای عالی قضایی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند و هر کس استحقاق عفو دارد به فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه دهند؛ و ان‌شاءالله عضو فایده‌بخش و فعال برای میهن خود گردند» (همان، ج ۱۸: ۳۴۴).

بر این اساس از دیدگاه امام خمینی (ره) رعایت حقوق شهروندی مخالفان سیاسی منافاتی با اجرای صحیح و مطابق موازین حدود الهی نداشته و سرپیچی از

آن‌ها، مجازات قانونی برای ضابطان و مجریان متخلف را در پی خواهد داشت.

جدول ۲. مدارا در اندیشه امام خمینی (ره)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش داده‌بنیاد	مقوله‌ها	گزاره‌ها
کرامت	اصل نفی ولایت انسان بر انسان دیگری به‌جز اذن الهی	رحمت، رأفت و عطوفت از جلوه‌های اسماء جمال الهی است. بدون رحمت و عطوفت، رشته حیات فردی و اجتماعی گسیخته می‌شود. صفات رفیق، مهربانی، رأفت و مدارا از لوازم فطرت اصیل هستند. انسان آزاد آفریده شده تا از بندگی غیرخدا رها باشد. بسیاری از خشونت‌ها و مظالم ناشی از خودخواهی است. همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند.
رحمت	اصل حسن خلق و عشرت (اخلاق اسلامی)	بسط رحمت و رأفت و طرح دوستی و مودت باعث به دست آوردن دل مردم است. خودخواهی ضیق صدر و تکبر می‌آورد. تمام مفاسد اخلاقی و خطاهای ایدئولوژیک از ثمرات فطرت تبعی و دنیاگرایی هستند. تواضع، قناعت و سعه صدر بر مدارا برای ارشاد و تبلیغ ضروری است. انسانی که قلب او جلوه رحمت باشد در تمام شئون با مدارا با هموعان خود و حتی حیوانات رفتار می‌کند. جلب قلوب با خشونت، استبداد و اقتدارطلبی، جامع نمی‌شود. مدارا، تمام قوای ظاهری، باطنی و قلوب جامعه را فتح می‌کند. مدارا و گذشت در حقوق مستحسن است.
عدالت	اصل تقدم عدالت بر مدارا (حقوق شهروندی)	حکومت وسیله و ابزاری برای اجرای عدالت است. مخالفان سیاسی دارای حقوق شهروندی هستند و رعایت آن بر ضابطان و مجریان لازم است. هیچ شهروندی نباید از حکومت بترسد. افراد آزادی خرابکاری ندارند. مداهنه در حقوق مردم، بیت‌المال، امنیت و عدالت جایز نیست. سلايق فردی و حب و بعض‌های شخصی و گروهی در مجازات مداخلت ندارد.

۴. مدارا در رفتار سیاسی امام خمینی (ره)

پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر دوران رهبری امام خمینی (ره) در دوران پسا شاهنشاهی بود. پس از سقوط رژیم پهلوی صحنه سیاسی و آرایش کنشگران سیاسی در داخل و خارج از کشور دچار تحولات فراوانی شد. بر این اساس گروه‌های مختلف سیاسی با مبانی و اصول فکری متفاوت درصدد عمق‌بخشی به گفتمان‌های مربوط به خود و افزایش سرمایه اجتماعی به‌منظور اثرگذاری و نیز نقش‌آفرینی در نظام سیاسی جایگزین برآمدند.

از سوی دیگر قدرت‌های خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان که از سالیان قبل به صورت مستقیم از طریق حضور نظامی و نفوذ سیاسی و نیز به صورت غیرمستقیم از طریق حمایت از احزاب، دولت‌مردان وابسته در راستای تأمین منافع ملی خود به بهره‌برداری از منابع ایرانی از جمله استخراج نفت مشغول بودند، انقلاب اسلامی را در تضاد با منافع ملی خود ارزیابی نموده و به مخالفت با آن پرداختند.

فضای عمومی کشور نیز متأثر از مطالبات عمومی مبنی بر برخورد با عوامل رژیم گذشته و احقاق حقوق مخالفان سیاسی که با شیوه‌های سرکوبگرانه از جمله زندان و شکنجه در رژیم پهلوی با آن‌ها برخورد شده بود، شدت عمل را مطلوب و پسندیده می‌نمود.

تدبیر امام خمینی (ره) به منظور مراجعه به آرای عمومی برای تغییر و انتخاب نوع نظام سیاسی جایگزین که در مرحله نخست با تشکیل مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی آغاز شده بود، رقابت‌های سیاسی را در عرصه گفتگو میان گروه‌های فعال سیاسی کشور رونق بخشید.

با تصویب متن پیشنهادی قانون اساسی و انجام همه‌پرسی که با مشارکت و رأی موافق اکثریت شرکت‌کنندگان منجر به تشکیل و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران شد، گروه‌ها و گروهک‌هایی که فارغ از پایگاه اجتماعی محدود، در سهم‌خواهی از انقلاب اسلامی موفق نشده بودند به شیوه‌های گوناگونی از ابزار مخالفت مشتمل بر فعالیت‌های سیاسی تا فعالیت‌های مسلحانه روی آوردند.

این موضوع سبب‌ساز مواجهه جمهوری اسلامی با گروهک‌های مخالف در راستای تأمین امنیت و ثبات کشور شد. بنابراین وضعیت کشور در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی متأثر از مطالبات مردمی برای مجازات مجرمان و عوامل رژیم ستم‌شاهی و درعین حال فعالیت مخالفان سیاسی که برای کسب قدرت با بهره‌گیری از تمام امکانات خود بود. مخالفان سیاسی انقلاب اسلامی منحصر به یک گروه یا فرد با ویژگی‌های واحد نبودند.

مخالفان سیاسی در دوران رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان در سه جریان

عمده علما و متحجران مخالف، گروهک‌های مخالف و مخالفان دینی و مذهبی دسته‌بندی کرد.

۴-۱. مدارا با علما و متحجران مخالف

تبیین نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی (ره) در سال‌های مبارزه با رژیم پهلوی بر اساس قرآن و سنت، موافقان و مخالفانی را به همراه داشت. مخالفان مبارزه با رژیم ستم‌شاهی را بی‌فایده دانسته و معتقد بودند که افق پیروزی و دستیابی به نتیجه مطلوب برای آن متصور نیست. مخالفان مبارزه انقلابی همچنین با در نظر گرفتن قیام حضرت مهدی موعود (عج) هرگونه تشکیل حکومت در دوران غیبت را جایز ندانسته و تمامی حکومت‌ها در این دوران را طاغوت می‌پنداشتند.

آنان با استناد به اینکه هر زمان زمین مملو از ظلم و جور شود، زمان ظهور نزدیک خواهد شد، وظیفه مسلمانان در مقابل حکومت‌های ظالم و ستمگر را دعا برای ظهور موعود و پرهیز از مبارزه می‌دانسته و بر همین اساس با رویکرد انتقادی و فعالانه امام خمینی (ره) در مبارزه با طاغوت خرسند نبودند. این جریان که با تابلوی انجمن حجّیه در میان قشر متدین جامعه توانسته بود پایگاه اجتماعی برای خود کسب کند، در اوج مبارزات سیاسی مردم از همراهی با موج انقلاب اسلامی سرباز زد و به‌صراحت با امام خمینی (ره) مخالفت نمود. این مسئله به‌قدری برای امام خمینی (ره) گران بود که سال‌های بعد در منشور روحانیت این چنین به آن اشاره نمود: «در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه‌چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آن‌ها قد علم کند. خون‌دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان، غرق‌شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید» (امام خمینی، جلد ۲۱: ۲۷۸).

ترویج تفکر «شاه سایه خداست» یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل

توپ ایستاد و این‌که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد؟ و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان باطل است و هزاران «انقلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسای بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آن‌ها را گرفت» (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۱۴).

این جریان پس از انقلاب اسلامی نیز به مخالفت‌های خود ادامه دادند و در چالش‌های اساسی جمهوری اسلامی به نقش‌آفرینی منفی خود استمرار بخشیدند. از جمله اقدامات این جریان در جنگ تحمیلی و مخالفت با دفاع مقدس بود که با استدلال مسلمان‌بودن هر دو طرف درگیری بیان می‌شد. متحجران با شعارهای عوام‌پسندانه سعی در مقابله با انقلاب اسلامی داشتند و موضع‌گیری‌های ناصواب آن‌ها به‌خصوص در دفاع مقدس که با امنیت ملی و منافع مردم در تعارض بود شدت یافته بود.

امام خمینی (ره) با وجود پیشینه مخالفت این جریان از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در سال‌های ابتدایی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی به مدارای حداکثری با آنان پرداخته و در مواجهه با متحجران از طریق آگاه‌سازی عمومی نسبت به اهداف و ماهیت آن‌ها اقدام می‌نمود. این وضعیت پس از آغاز دفاع مقدس و لزوم موضع‌گیری صریح و روشن به‌منظور اجتناب از خدشه‌دار شدن یکپارچگی و وحدت مردمی در مقابله با دشمن تجاوزگر، با اعلام رسمی امام خمینی (ره) ادامه یافت و به دلیل آن‌که اقدام عملی از جمله مبارزه مسلحانه و ائتلاف با متجاوزان در کارنامه متحجران به چشم نمی‌خورد، هیچ‌گاه شاهد برخوردهای قضایی و سرکوبگرانه در قبال آن‌ها نبودیم.

مشي رهبری انقلاب اسلامی همواره روشنگری هر پاسخی به شبهات متحجران بوده و با مدارای حداکثری برخورد سرکوبگرانه را در پیش نگرفتند.

امام خمینی (ره) در همین باره می‌فرمایند: «تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از این‌که در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست

مسئولان نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند! دیروز «حجیته‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام‌ها و حرام کردن حلال‌ها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدم‌های لامذهب یا از مقدس‌نماهای متحجر و بی‌شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۲۷).

شیخ محمود حلبی سرکرده انجمن حجیته هیچ‌گاه تحت تعقیب قضایی قرار نگرفت و با وجود اقدامات و اظهارات مخالف با ماهیت اهداف و کارکرد نظام جمهوری اسلامی در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۶۷ و در ۹۷ سالگی وفات یافت.

علمای مخالف دیگری نیز که در جرگه مراجع تقلید، محل رجوع مردم و صاحب فتوا بودند به مخالفت با رهبر انقلاب اسلامی پرداختند.

البته اختلاف در اجتهاد احکام فقهی امری طبیعی در میان مراجع بوده است، اما آنچه مدنظر است مخالفت‌های سیاسی و در برخی از موارد اقدام عملی علیه نظام جمهوری اسلامی بوده که موارد مربوط به آیت‌الله سیدمحمد کاظم شریعتمداری و آیت‌الله حسینعلی منتظری از آن جمله هستند.

پس از کشف توطئه کودتای نوژه و نقش آقای شریعتمداری در جریان این موضوع، امام خمینی (ره) با توجه به جایگاه ایشان تعقیب و مجازات او را منع نموده و علی‌رغم ماهیت نظامی و مسلحانه کودتا اجازه دادند تا پایان عمر در منزل شخصی خود به زندگی ادامه دهند.

مشی امام خمینی (ره) در مواجهه با علمای مخالف، همواره حفظ و حراست از جایگاه و شأنیت روحانیت و مرجعیت بوده و از سوی دیگر برخورد لازم و

قانونی با تخلفات و جرائم روحانیت را ضامن بقای آبرو و حیثیت آنان در میان عامه مردم و بارگاه الهی می‌دانستند.

«مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوءاستفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سرزند مهیای مؤاخذهم» (امام خمینی، جلد ۲۱: ۲۸۲).

مواجهه امام خمینی (ره) با آیت‌الله منتظری که با انتخاب مجلس خبرگان به‌عنوان قائم‌مقام رهبری انتخاب شده بودند، پس از ماجرای سیدمهدی هاشمی (برادر داماد ایشان) نیز از همین‌گونه است.

رهبر انقلاب اسلامی پس از اعلام استعفای آقای منتظری ضمن قبول استعفای ایشان بر ضرورت ادامه درس و بحث علمی و پرهیز از ورود به سیاست به دلیل ساده‌لوحی و تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرارگرفتن تأکید نموده و ایشان نیز هیچ‌گاه مورد تعقیب و مجازات قرار نگرفتند. البته در سال‌های پس از رحلت امام (ره) بدون در نظر گرفتن توصیه‌های رهبر فقید انقلاب اسلامی وارد عرصه سیاسی کشور شده و اقدام به تحریک و دعوت به نافرمانی مدنی و در مرحله اجرای آشوب سیاسی نمودند که علی‌رغم تمامی این موارد به حصر خانگی در مورد ایشان اکتفا شد.

آنچه در دوران رهبری امام خمینی (ره) در مواجهه با علمای مخالف و متحجران تبلور یافته، تبیین و روشن‌گری به‌منظور اقناع افکار عمومی و پرهیز از اقدامات سرکوبگرانه و سخت‌گیرانه و در موارد مربوط به شخص ایشان نیز گذشت و عفو بوده است. در مواردی که مخالفت‌ها به حوزه امنیت و مصلحت نظام اسلامی تعریض داشته و اقدام عملی یا مسلحانه را شامل می‌شده، حداقل برخورد‌های قانونی با محوریت و تصمیم‌گیری مراجع قانونی از جمله قوای سه‌گانه از سوی رهبر انقلاب تجویز شده است.

۴-۲. مدارا با گروهک‌های مخالف

ماهیت مستقل انقلاب اسلامی در کشوری که به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک و منابع فراوان انرژی، همواره از جمله اهداف کشورهای قدرتمند جهانی بوده و سبب پشتیبانی این قدرت‌ها از عوامل و جریان‌هایی شده بود تا با بهره‌گیری از ظرفیت بومی آن‌ها و بدون بهره‌گیری از نیروهای نظامی که مخارج بالایی را به این قدرت‌ها تحمیل نموده و نتیجه آن نیز قابل پیش‌بینی نبوده، بتوانند در تحولات ایران نقش‌آفرینی کنند. گروهک‌هایی که در مواجهه با گفتمان امام خمینی (ره) و نفوذ و اثرگذاری این گفتمان در میان طبقات اجتماعی مختلف با طرفداران محدود خود سعی می‌کردند بیشتر از اقلیت، سهم‌خواهی کنند، از جمله جریان‌های مورد حمایت مخالفان خارجی جمهوری اسلامی ایران بودند.

سازمان مجاهدین خلق و حزب توده از مهم‌ترین جریان‌ها و گروهک‌هایی بودند که بر همین اساس به مخالفت با انقلاب اسلامی و رهبر آن پرداختند. تعامل و مدارای امام خمینی (ره) در حالی که در اوج محبوبیت و مشروعیت مردمی قرار داشتند با گروهک‌های مخالف به منظور همراه‌ساختن آنان قبل از ورود به فاز مسلحانه و اقدامات مخرب علیه منافع و امنیت ملی کشور در ماه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی بیانگر اهتمام به ارشاد و هدایت‌گری، مقدم به برخوردهای قانونی بوده که در رفتار سیاسی رهبر انقلاب اسلامی تبلور یافته است.

سازمان مجاهدین خلق که با محوریت شعارهای اسلامی در دوران پهلوی دوم پای در عرصه مبارزه نهاده بود، پس از بروز اختلاف در کادر رهبری و تسلط جریان التقاطی که به کارآمدی اسلام در شیوه مبارزه اعتقاد نداشته و تفسیر قرآن را بر مبنای سلاقی شخصی صورت می‌داد، مسیر خود را از فوج موج‌آفرین انقلابیون جدا ساخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان مجاهدین خلق به فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی خود ادامه داده و در جریان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی به ارائه نقطه‌نظرات خود می‌پرداخت.

عدم اقبال عمومی به شعارهای سازمان و سهم‌خواهی‌های آن‌ها، سبب شد تا پس از فراندوم سراسری تغییر نظام سیاسی، رهبران این گروهک از پذیرش

قانون اساسی جدید سرباز زده و علی‌رغم این موضوع برای ورود به پارلمان، کاندیداهای خود را معرفی کردند. با توجه به رد صلاحیت سران این گروهک به دلیل این که به صراحت از عدم پایبندی به قانون اساسی به‌رغم رأی اکثریت و شرط لازم برای رقابت‌های انتخاباتی سخن گفته بودند، آنان را وارد عرصه‌های دیگری از مبارزه و اعمال خشونت کرد.

عدم تمکین به قواعد رقابت‌های سیاسی و تلاش برای مقابله و انحراف مطالبات عمومی، گروهک مجاهدین خلق را که در افکار عمومی به منافقین از آن یاد می‌شد، وارد فاز مسلحانه کرد. اوج این مرحله در خردادماه ۱۳۶۰ نمود یافت. ترورهای بعدی و بمب‌گذاری در محل حزب جمهوری اسلامی، ساختمان نخست‌وزیری و بسیاری از اقدامات جنایت‌کارانه این گروهک، باعث شد تا امام خمینی (ره) دستور برخورد قاطع با این افراد را به‌منظور تأمین امنیت و حفظ و حراست از جان، مال و ناموس مردم بدهند. نکته اساسی قاطعیت و پرهیز از مداخله در مواجهه با تعرض به امنیت عمومی بود که اعمال آن برای تحقق عدالت لازم است.

مدارای سیاسی با زندانیان و دستور امام (ره) مبنی بر عفو و گذشت از اعضای که با توبه و بازگشت خواهان بازگشت به زندگی عادی بودند، نشانگر استمرار روحیه ارشاد و هدایت‌گری رهبر انقلاب اسلامی است.

موسوی بجنوردی از مسئولان قضایی اوایل انقلاب خاطره‌ای در همین باره بیان می‌کند: «یک‌مرتبه که ۲۰۰ نفر از توابعین گروهک‌ها را که اصلاح آن‌ها مسجل شده بود آزاد کردیم، از مرحوم حاج‌احمد آقا شنیدم که وزیر اطلاعات وقت به امام (ره) گفته بود این‌هایی که آزاد شدند می‌روند و به مسعود رجوی ملحق می‌شوند. ما خیلی ناراحت شدیم و از امام درخواست ملاقات کردیم. وزیر اطلاعات وقت هم آمد و از ایشان خواستیم که بگویند چند نفر به رجوی ملحق شدند و اسم ببرند. گفته بودند که ۴ نفر این کار را کردند. وقتی امام (ره) شنیدند گفتند به خاطر ۴ نفر نمی‌توانیم ۲۰۰ نفر را در زندان نگه داریم. بروید آن‌ها را آزاد کنید بعد دست روی گردن خودشان گذاشتند و گفتند به گردن من» (موسوی بجنوردی،

(۱۳۹۳/۹/۲۴).

مشی امام (ره) در تفکیک میان مدارای سیاسی و مداهنه با سنجه چهارگانه عدالت، قانون و مصلحت و خلاق موجب شد تا بسیاری از اعضای این گروهک از ادامه همراهی و مبارزه مسلحانه انصراف دهند.

۳-۴. مدارا با مخالفان دینی و مذهبی

کشور ایران به لحاظ تنوع قومیتی و شرایط خاص جغرافیایی در سپهر تمدن کهن خود همواره میزبان اقوام، مذهب و ادیان آسمانی بوده است.

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب در پرتو هویت ملی ایرانی که در برهه‌های حساس از جمله دفاع مقدس شاهد هم‌بستگی آن‌ها برای حراست از آب‌و خاک میهن فارغ از تعلقات متفاوت مذهبی و دینی بوده‌ایم، به‌عنوان یک فرصت برای کشورها و جریاناتی است که درصدد تحصیل منافع از منابع ایران می‌باشند.

اتخاذ رویکردهای جدایی‌طلبان در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی به‌منظور خدشه‌دار نمودن وحدت و یکپارچگی هویت ایرانی و در گام بعد امنیت ملی با نگاه تهدیدمحور به این ویژگی منحصربه‌فرد ایران صورت پذیرفته است. امام خمینی (ره) از همان ابتدا با این مسئله مواجهه راهبردی داشتند:

«من به همه ملت توصیه می‌کنم که در هر جا هستید آرامش خودتان را حفظ کنید و گوش به توطئه‌هایی که در دست اجرا هست [ندهید]. گاهی به اسم تشیع و تسنن که بعضی شیاطینی که به اسلام هم عقیده ندارند، با این اسم‌ها می‌خواهند تفرقه بیندازند و گاهی به اسم ترک و فارس اشخاصی که به ملت ایران اعتقادی ندارند و جز برای بهره‌برداری خودشان قدمی بر نمی‌دارند، می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند و با بهانه اسلام، جمهوری اسلامی را بکوبند (امام خمینی، ۱۳۷۰، جلد ۱۴: ۲۹۷).

ظرفیتی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران سعی داشتند آن را به تهدید علیه نظام سیاسی کشور نمایند یا مدارای سیاسی امام خمینی (ره) و برخی اقدام‌های ابتکاری همانند اعلام هفته وحدت و سخنان برادرانه ایشان، تبدیل به فرصتی

راهبردی برای ارتقای سرمایه اجتماعی کشور در مقابله با بحران‌ها و چالش‌های پیش رو در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی شد.

«ما نباید با هم اختلاف یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه باهم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هایی است که نه بر مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی یا سایر فرق، آن‌ها می‌خواهند نه این باشد نه آن، راه را این‌طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم» (همان، جلد ۱۳: ۵۵).

مدارای سیاسی امام (ره) با مذاهب و ادیان دیگر، منحصر در اعلام مواضع و سخنرانی‌ها نبوده بلکه در مراحل تدوین قانون اساسی، حقوق اساسی ادیان و مذاهب دیگر مورد تصریح تدوین‌کنندگان و در مرحله بعد مورد تصویب رأی‌دهندگان گرفته است (اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی).

در همین زمینه باید گفت جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی (ره)، ادیان و مذاهب آسمانی را به رسمیت شناخته و فرقه‌های منحرف را که فاقد تعالیم الهی و بر اساس مقاصد سیاسی از سوی دولت‌های خارجی پدید آمده و حمایت می‌شوند، به رسمیت نشناخته و بر همین اساس حقوقی را نیز برای آن‌ها نمی‌توان متصور بود. به‌عنوان نمونه می‌توان به تلاش فرقه‌هایی نظیر بهائیت به‌منظور شبکه‌سازی و نفوذ در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اشاره کرد که از دوران پهلوی دوم سرعت یافته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با چالش مواجه شد. اتهام‌زنی به عملکرد جمهوری اسلامی ایران در عدم مدارا با این‌گونه فرقه‌های سیاسی که با حمایت دولت‌های رقیب برای تأمین منافع آن‌ها ظهور و بروز یافته و به فعالیت می‌پردازند، فارغ از بیان اهداف و کارکردهای سیاسی فرقه‌های منحرف صورت می‌گیرد. البته صرف عضویت و نیز اعتقاد به فرقه‌های منحرف در جمهوری اسلامی ایران سبب‌ساز اعمال مجازات برای شهروندان نمی‌شود، ولی بدیهی است این افراد به دلیل به رسمیت نشناختن قانون اساسی کشور نمی‌توانند

از حقوق سیاسی نظیر حق نمایندگی و نقش آفرینی در ساختار نظام سیاسی کشور برخوردار باشند.

باید گفت امام خمینی (ره) با امعان نظر به این نکته میان مخالفان مذهبی و دینی از دین اسلام و دیگر ادیان آسمانی با فرقه‌های سیاسی که با تابلوی دین و مذهب پدید می‌آیند، تفکیک قائل شده و بر این سبیل با آن‌ها رفتار می‌کردند.

جدول ۳. مدارا در سیره و رفتار سیاسی امام خمینی (ره)

الف	حوزه اعمال مدارا	مخاطبان	محدوده مدارا	محدوده عدم مدارا
۱	مخالفان عقیدتی و فکری	(علمای مخالف)	آزادی بیان و عقیده	خدشه بر امنیت و استقلال
۲	حوزه اخلاقی، مخالفان دینی و مذهبی	(اقلیت‌های دینی و مذهبی)	آزادی علائق و رفتارهای شخصی	اباحه گری و ولنگاری
۳	حوزه فقهی سیاسی مخالفان سیاسی	(گروهک‌های مخالف)	حقوق شهروندی	توطئه و عمل منافقانه

نتیجه‌گیری

مدارا در رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در تطابق با اصول و مؤلفه‌های اندیشه ایشان ظهور و بروز داشته است. مساعی رهبر انقلاب اسلامی به منظور تعریف مدارا بر اساس الگوی سه‌گانه اسلام در حوزه‌های اعتقادی-ایمانی، اخلاقی-گرایشی و فقهی-سیاسی در راستای کاربست مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (ره) قابل بیان است.

جدول زیر با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، کدهای انتخابی مدارا در دو حوزه اندیشه و رفتار سیاسی را بیان می‌کند.

جدول ۴. مدارا در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره)

حوزه‌های مدارا	مدارا در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)	محدوده مدارا در رفتار سیاسی امام خمینی (ره)
عقیدتی-ایمانی	کرامت	حفظ نظام
اخلاقی-گرایشی	رحمت	حفظ امنیت
فقهی-سیاسی	عدالت	اجرای عدالت

با تحلیل و بررسی داده‌های به دست آمده در سه گانه مفهومی می‌توان راهبرد مدارای سیاسی را در جمهوری اسلامی ایران بازنمایی نمود. در حوزه مدارای اعتقادی-ایمانی، حفظ کرامت انسان با اصل نفی ولایت انسان بر انسان دیگری به جز اذن الهی به عنوان چارچوب اصلی مدارا باید مورد توجه حکومت اسلامی

قرار بگیرد.

به عبارت دیگر هرگونه مجازات و تنبیه مجرمان نباید با اصل کرامت انسانی تعارض داشته و درعین حال تنها خط قرمزی که در تعارض با کرامت انسانی اولویت و ارجحیت می‌یابد، اصل حفظ نظام است که در رفتار سیاسی امام خمینی (ره) به صورت بارزی روشن است.

نمونه عملی این موضوع مدارای حداکثری در ماجرای آقای منتظری و اقدامات مخفیانه به منظور حفظ جایگاه ایشان بود که این وضعیت پس از ارتباط یافتن با سرنوشت نظام اسلامی، از سوی حضرت امام (ره) علنی شده و حتی مطابق اصرار رهبر انقلاب، مقرر شده بود تا از رسانه‌های گروهی و صداوسیما نیز اطلاع‌رسانی انجام شود. نکته قابل توجه عدم تفسیر موسع از مفاهیم مرتبط با حفظ نظام است تا بدین‌سان از ورود سلاقی و حب و بغض‌های شخصی با این عنوان پیشگیری شده و کرامت انسانی افراد و مخالفان در سطوح مختلف حفظ شود.

در حوزه اخلاقی - گرایشی، با در نظر گرفتن اصل حسن خلق و عشرت و مفهوم کلی رحمت در اندیشه امام خمینی (ره) مدارا و تساهل در روابط اجتماعی به عنوان یک اصل پذیرفته شده، توصیه شده، به نحوی که مدارا و گذشت در حقوق شخصی و روابط اجتماعی مستحسن و تواضع، قناعت و سعه صدر از لوازم ضروری برای ارشاد و تبلیغ می‌باشند. پرهیز از تجسس در زندگی شخصی افراد جامعه، دوری از خودخواهی و طرح دوستی و مودت از جلوه‌های مدارا در حوزه اخلاقی - گرایشی است که خط قرمز آن، حفظ امنیت جامعه در اندیشه امام (ره) معرفی می‌شود.

بر این اساس تنها در مواردی که گروه‌ها و افراد به صورت سازمان‌یافته در صدر شبکه‌سازی و سازمان‌دهی اعمال خلاف قانون و شرع و نیز تبلیغ موارد گمراه‌کننده به منظور اثرگذاری بر وضعیت جامعه می‌باشند کاربرد مجازات و خشونت تجویز می‌شود.

در حوزه فقهی - سیاسی، حکومت و قدرت سیاسی وسیله و ابزاری است برای اجرای عدالت و بر این مبنا اصل عدالت بر مدارا تقدم دارد. از آنجایی که در

حوزه فقهی - سیاسی با حقوق عامه مردم سروکار داریم، گذشت و مدارا باید با سنجه عدالت بوده و جایز نیست بر اساس احساس و عواطف از حقوق اجتماع مسلمانان چشم پوشی کرد. از سوی دیگر رعایت حقوق شهروندی مخالفان از الزامات مدارا در این حوزه است و خط قرمز آن، توطئه و عمل منافقانه بیان می شود تا ضمن دوری از افتادن به ورطه مداهنه، سلايق شخصی و سیاسی در این حوزه مداخلت نیابد.

منابع

قرآن کریم.

آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). منشور روحانیت، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). آداب‌الصلوه (آداب نماز)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، صحیفه امام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴). شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام‌خمینی، روح‌الله (بی‌تا). جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲.

برزگر، ابراهیم و مصطفی بیات (۱۳۹۵). «الگوی مطلوب سیاست‌گذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵.
بشیری، حسین (۱۳۷۴). دولت عقل، ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: علوم نوین.

بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها، قم: اندیشه و فرهنگ دینی.
خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شریعت، فرشاد (۱۳۸۲). «تحول جامعه مدنی در اندیشه سیاسی غرب: لاک؛ نامه‌های تساهل و حکومت مدنی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۰-۱۸۹.

فتحی، یوسف (۱۳۹۶). «مبانی و پیامدهای مدارا در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳.

قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۰). فلسفه فلسفه سیاسی: مناقشه‌های نظری در عصر جهانی شدن، تهران: رشد آموزش.

لاک، جان (۱۳۷۷). نامه‌ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، تهران: نی.
منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، همایش چالش‌های علم اطلاعات، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۳/۹/۲۴). «فرمان ۸ ماده‌ای امام مترقی‌ترین حقوق شهروندی است»، قابل دسترسی در:

<https://www.farsnews.com/news/13930923001403>.